

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه

(تحلیل موردی- موضوعی نفرین و نکوهش)

امیره نیک نام پیرزاده،^۱ انسیه عسگری،^{۲*} لیلا نیک نسب^۳

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

۳. استادیار گروه زبان های خارجی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱

پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۷

چکیده

کنایه یکی از صنایع ادبی مهم و مؤثر در زیبایی آفرینی و بلاغت کلام محسوب می گردد. وجود کنایات متعدد در نهج البلاغه افزون بر منظر زیباشناسانه آن، به جهت فهم درست مقصود سخن پیشوای معصوم مسلمانان، اهمیت دارد و این اهمیت، آنگاه که کنایات پا به عرصه ترجمه می نهند، دوچندان می شود. هدف تحقیق حاضر، واکاوی ترجمه کنایات نفرین و نکوهش در ترجمه های انگلیسی نهج البلاغه (سید- علی رضا، عسکری جعفری، فروتن/مرعشی) با روش توصیفی و تحلیلی است. یافته های این پژوهش چنین است: هیچ یک از کنایات به روش ترجمه کنایی، معادل یابی نشده اند؛ فروتن/مرعشی و عسکری جعفری بیشتر از ترجمه معنایی و سیدعلی رضا بیشتر از ترجمه تحت اللفظی بهره گرفته اند؛ ترجمه تلفیقی نیز کمتر از دو روش قبل ولی کم و بیش مورد توجه هر سه مترجم قرار گرفته است؛ برخی کنایات در ترجمه عسکری جعفری اصلاً ترجمه نشده اند. نتیجه تحقیق نشان می دهد معادل یابی کنایات نهج البلاغه برای زبان مقصد هم دشوار است و هم به شیوه واحد ممکن نیست. بهترین شیوه عملی ترجمه، معنایی یا تلفیقی است ولی در موارد دشوار، به جای خودداری از ترجمه، روش تحت اللفظی را باید به کار بست.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، ترجمه انگلیسی، کنایه، نفرین و نکوهش، سیدعلی رضا، عسکری جعفری، فروتن/مرعشی.

۱- مقدمه

سخن ادبی و در عین حال اثرگذار بر مخاطب که آن را فصیح و بلیغ خوانند، مؤلفه‌های هنری خاصی دارد. از جمله این مؤلفه‌ها، پرهیز از بیان مستقیم مراد سخن و عرضه منظور در لوازم کلام است تا شنونده بر سخن، بیشتر درنگ کند و به ناچار با آن درآمیزد و بدین طریق، پیام گوینده در ذهن او بهتر و استوارتر جای گیرد (کزازی، ۱۳۸۶: ۱۵۶). به تعبیری رنج دریافت معنا، لذت ادراک را بیشتر و تأثیر سخن را افزون‌تر می‌کند (مظفری؛ خرمیان، ۱۴۰۱: ۲۱۱). این شیوه فراگرفتن و استنباط قهری معنای کنایه، نه تنها ارزش زیبایی‌شناختی آن را جلوه‌گر می‌کند؛ بلکه رسایی آن را در قیاس با کاربرد صریح پیام برملا می‌سازد؛ زیرا شنونده وقتی درگیر فهم کنایه می‌گردد، بار فرهنگی و محتوایی کلام را کامل‌تر درک خواهد کرد (مشایخی؛ خرمیان، ۱۳۹۳: ۹۴).

نهج البلاغه سوای آن‌که در مجموعه متون دینی (حدیثی) قرار دارد، پس از قرآن، برترین شاهکار ادب عربی محسوب شده است (Djebli, 1993, vol7: 904). تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه‌های نهج البلاغه جلوه‌هایی از به کارگیری اوج ادب عربی در این اثر است که سبب شده بارها ادیبان عرب برای استشهاد به یک متن کهن از آن بهره گیرند (نک. امینی، ۱۳۹۲: ۳۵ به بعد). با این حال، به رغم محسنات بسیار صنایع ادبی و از جمله کنایه، وقتی یک متن به عرصه ترجمه گام می‌نهد، با دشواری‌های بسیار از ناحیه همان محسنات روبرو می‌شود؛ زیرا مترجم باید مؤلفه‌های زیبایی‌شناسانه کنایه را همزمان با معنا و پیام کامل گوینده به زبان مقصد انتقال دهد. حال اگر مترجم، خود کنایه را درست و کامل فهم نکرده یا توانایی انتقال ظرایف هنری آن را نداشته باشد، هم از حیث محتوا و هم از جهت ادبی، ترجمه متن دچار آسیب می‌شود. این آسیب درباره متنی که سخنان پیشوای مذهبی معصوم را در بردارد، اهمیت بیشتری خواهد داشت. این اهمیت و ضرورت وقتی به اوج می‌رسد که مخاطبان ترجمه، دانش و بضاعت اندکی از فرهنگ متن مبدأ و مقاصد آن داشته باشند و این

شرایط درخصوص ترجمه‌های انگلیسی لحاظ می‌شود. از همین رو، هدف تحقیق حاضر، واکاوی کنایه‌های نهج‌البلاغه در سه ترجمه انگلیسی، برای تحلیل نحوه انتقال پیام امیرالمؤمنین (ع) است. این بررسی به موضوع نفرین و نکوهش محدود شده تا درک مترجم از یک موضوع واحد در تعابیر مختلف و سنجش دقیق‌تر تأثیر متغیرها بر فهم یکی از اغراض کنایه را بتوان ارزیابی کرد.

از میان ترجمه‌های انگلیسی موجود،^۱ ترجمه سیدمحمد عسکری جعفری (۱۹۶۵م)، سیدعلی‌رضا (۱۹۸۷م) و بهروز فروتن/حسین مرعشی (۲۰۲۲م) بررسی شده است. ترجمه اول و دوم، به جهت نشر گسترده کاغذی و الکترونیکی، برای خوانندگان سراسر جهان در دسترس است و بالتبع خوانندگان فراوانی از طریق آن دو، نهج‌البلاغه را می‌خوانند. ترجمه سیدمحمد عسکری جعفری دو نوبت در پاکستان به سال‌های ۱۹۶۱م و ۱۹۷۱م، هند به سال ۱۹۶۷م، دو نوبت در ایران ۱۹۶۵م و ۱۹۸۱م و همچنین در آمریکا به سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۹م به چاپ رسیده است. هر یک از این نسخه‌ها به همراه تعلیقه‌ها، شرح‌ها و تفسیرهایی مجزا منتشر شده‌اند (اسحاقی، ۱۳۹۰: ۳۴۰). ترجمه سیدعلی‌رضا نیز در شهرها و کشورهای مختلفی همچون نیویورک ۱۹۸۴م، مری‌لند ۱۹۹۶، پاکستان ۱۹۷۳م، هند ۱۹۸۹م، تهران ۱۴۳۱ق، قم یک بار در ۲۰۰۷م و بار دیگر در ۲۰۱۰م و سنگاپور ۱۹۷۷م، به دفعات متعدد به چاپ رسیده و در پایگاه‌های برخط بسیاری در دسترس کاربران است. برخی احتمال داده‌اند شغل مترجم (منشی وزارت خارجه پاکستان)، بر شهرت ترجمه‌اش اثرگذار بوده است (همان: ۳۴۱).

ترجمه فروتن/مرعشی که به تازگی توسط بنیاد علمی نهج‌البلاغه به چاپ رسیده، از دو جهت امتیاز دارد: فروتن پیش از این، ترجمه و تفسیر مختصر قرآن را در کارنامه خود دارد؛ وی با اذعان و اشراف به نواقص ترجمه‌های قبل، قصد دارد آن‌ها را رفع کند.^۲ نه تنها درخصوص ترجمه‌های یاد شده؛ بلکه درباره هیچ‌کدام از ترجمه‌های انگلیسی

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلیا نیک نسب

نهج البلاغه تا کنون نقد و ارزیابی صورت نگرفته است. با این حال، در موضوع تحقیق حاضر (کنایه)، ترجمه‌های فارسی در پژوهش‌های متنوعی بررسی شده‌اند که می‌توانند به نحوی فضای پیشینه برای اثر حاضر محسوب گردند:

برخی کنایاتی چند را انتخاب کرده و آن‌ها را در ترجمه‌های منتخب مورد تحلیل قرار داده‌اند که مقاله «درآمدی در نقد ترجمه‌های کنایاتی از نهج البلاغه» (اقبال، ۱۳۸۸) از آن آثار است.

بعضی تنها یک کنایه را موضوع پژوهش قرار داده‌اند که مقالات «مفهوم‌شناسی واژه حائک در خطبه ۱۹ نهج البلاغه با رویکرد انتقادی به معادل‌یابی‌های آن در ترجمه‌های فارسی» (سلمانیان و همکاران، ۱۴۰۰) و «نقدی بر ترجمه کنایات در نهج البلاغه (مطالعه موردی: «لا ابا لك» و «لا ابا لغيرك»)، (میرزایی؛ خاتمی، ۱۳۹۹) از آن دسته هستند.

برخی آثار همانند «روش‌شناسی ترجمه کنایات در خطبه‌های نهج البلاغه براساس دیدگاه نیومارک» (رستمی؛ قائمی، ۱۳۹۷)، تحلیل خود را بر پایه مدل‌های ترجمه انجام داده‌اند.

در این میان، بعضی بررسی موضوعی موردی داشته‌اند که مقاله «قابلهای ثابت زبان و چالش‌های معادل‌یابی آن در ترجمه‌های نهج البلاغه (موردکاوی نفرینهای جمعی)» (سلمانیان؛ احسانی، ۱۴۰۲) جدیدترین اثر در این دسته است که از لحاظ موضوع نیز با مقاله حاضر، تشابه دارد. منتهی این مقاله نیز واکاوی ترجمه‌های فارسی است.

تحقیق حاضر می‌کوشد با توصیف و تحلیل کنایه‌ها و ترجمه‌هایشان بدین پرسش‌ها پاسخ دهد: هر یک از مترجمان از چه روش‌هایی برای ترجمه کنایات نفرین و نکوهش نهج البلاغه استفاده کرده‌اند؟ میزان استفاده ایشان از روش‌های مذکور چقدر است؟ کدام روش در انتقال مفهوم کنایات، مؤثرتر و ترجمه‌بدان‌روش، رساتر و موفق‌تر بوده است؟

۲- مفهوم‌شناسی کنایه و معادل‌یابی آن در انگلیسی

کنایه در لغت، مصدر "کنیت" یا "کنوت" است. فعل "کنیت" یا "کنوت" هنگامی استفاده می‌گردد که گوینده قصد ندارد مطلب را صریح بیان کند. کنایه را در اصطلاح چنین تعریف کرده‌اند: «لَفْظٌ أُرِيدَ بِإِلَازِمٍ مَعْنَاهُ مَعَ جَوَازِ ارَادَتِهِ مَعَهُ»؛ پس کنایه لفظی است که لازم معنایش، اراده شود، هرچند اراده معنای اصلی نیز همراه معنای لازم جایز است. برای مثال، معنای اولیه طویل النجاد، بلندی بند شمشیر است. گوینده وقتی آن را در معنای کنایی بلندقامتی به کار می‌برد، معنای اولیه آن را نیز همچنان می‌توان در نظر گرفت (تفتازانی، ۱۳۸۳: ۲۵۸).

در زبان انگلیسی برای کنایه، معادل‌هایی گفته شده است: Irony, Metaphor, Metonymy, Idiom (آریان‌پورکاشانی، ۱۳۷۹: ۹۷۵). این معادل‌ها از لحاظ مفهومی بر کنایه مدنظر کاملاً منطبق نیست.

Irony در ادبیات انگلیسی زمانی به کار می‌رود که ظاهر کلام، کاملاً برخلاف قصد نویسنده یا گوینده است. برای نمونه، زمانی که هوا بیش از حد سرد یا گرم است و کسی بگوید، "چه هوای خوبی!" از صنعت Irony استفاده شده است (سمیع گرگانرودی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). بر مبنای این تعریف، irony معادل دقیقی برای کنایه نیست. در ادبیات فارسی نیز گاهی شخصی که دچار اشتباه علمی فاحش می‌شود را بر وجه طنز، "علامه" خطاب می‌کنند.

در Metaphor دو چیز که وجه مشترکی دارند، به صورتی زیبا مقایسه می‌شوند. برخی محققان ذیل تعریف figurative language (زبان کنایی) به توصیف simile (تشبیه) و metaphor پرداخته و گفته‌اند در metaphor همان تشبیه صورت می‌گیرد با این تفاوت که ادوات تشبیه به کار نمی‌رود و یک شیء معادل شیء دیگر قرار می‌گیرد (سخنور، ۱۳۸۵: ۵۵).

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلیا نیک نسب

Metonymy نیز از زیرمجموعه‌های Metaphor و Synecdoche (مجاز جزء به کل و مجاز کل به جزء) است. مثلاً در عبارت «سری با تاج» به معنای «پادشاهی»، تاج تنها جزئی از کل است. همچنین در عبارت «تمام خانه‌ها در خواب هستند»، «خانه‌ها» کل هست که به جای جزء «ساکنان خانه» نشسته است (سمیع گرگانودی، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۱۰۴). پس در Metonymy، برای شناساندن مسئله و یا چیزی به مخاطب از خود آن چیز استفاده نمی‌شود؛ بلکه از نام یا نشانی‌ای که ارتباط نزدیکی با آن چیز دارد، بهره گرفته می‌شود. زمانی که شکسپیر می‌گوید: «دیک چوپان (در زمستان) انگشتانش را با نفسش گرم می‌کند»، توجه را به سمت قسمتی از دست می‌برد و به مخاطب می‌فهماند که این دست چقدر کبود و یخ‌زده است. اگر شکسپیر به جای دست، ناخن را به کار می‌برد، این احتمال بود که نتواند کبودی و یخ‌زدگی دست را به خوبی ترسیم کند (سخنور، ۱۳۸۵: ۹۴). آیه «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح/۱۰) مثالی از این باب است؛ زیرا واژه «دست»، به جای قدرت، حمایت و حفاظت قرار گرفته است.

Idiom (اصطلاح) که حوزه گسترده‌ای از عبارات را در بر می‌گیرد به عبارتی اطلاق می‌شود که معنای مجازی دارد. معنای این قالب بیانی، از معانی جزء به جزء عناصر آن بدست نمی‌آید؛ بلکه جدا از معنای تحت‌اللفظی کلمات سازنده آن فهم می‌شود. به تعبیر دیگر، آن دسته از عبارات ثابتی که معنای آنها را نمی‌توان با معنای اجزای آن پیش‌بینی کرد (Chenguang, 2003: 27-30). نمونه‌هایی از این صنعت در آیات قرآن نیز به چشم می‌خورد. برای مثال، آیه «وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ» (احزاب/۱۰) که معادل آن در زبان فارسی "جان به لب رسیدن" است، در ادبیات انگلیسی، در زمره اصطلاح یا همان Idiom لحاظ می‌شود. به همین ترتیب، عبارت کثیر الرماد در زبان عربی که کنایه از انسان بخشنده و دست و دل‌باز است، در زبان انگلیسی، نوعی idiom محسوب می‌گردد.

درنهایت با تطبیق موارد فوق با مفهوم کنایه در ادبیات عرب، به نظر می‌رسد، نوع ادبی

metonymy و idiom معادل‌های قریب‌تری برای مفهوم کنایه هستند.

۳- روش‌های ترجمه کنایه

چهار روش ممکن برای ترجمه کنایه عبارتند از: کنایی؛ معنایی؛ تحت‌اللفظی؛ تلفیقی.

الف. ترجمه کنایی، روشی است که در آن مترجم نزدیک‌ترین معادل و قرینه کنایی ادبیات مقصد را برای کنایه مبدأ، انتخاب و جایگزین می‌کند. این روش، (البته به فرض وجود معادلی مناسب در زبان مقصد) می‌تواند بهترین نوع ترجمه باشد؛ زیرا نه تنها همانند متن مبدأ مخاطب را از مزایای استفاده از کنایه بهره‌مند ساخته؛ بلکه مفهوم عبارت را نیز به طور کنایی منتقل ساخته است (مصطفوی‌نیا؛ طاهر، ۱۳۸۹: ۷۶).

ب. در ترجمه معنایی، مترجم معنا و مفهوم اراده شده از کنایه را جایگزین متن اصلی می‌کند و دیگر ساختار کنایی به کار رفته در زبان مبدأ به مخاطب منتقل نمی‌شود. این روش زمانی استفاده می‌شود که نتوان معادلی در زبان مقصد برای متن اصلی انتخاب کرد (امرائی، ۱۳۹۷: ۲۷۳).

ج. در ترجمه تحت‌اللفظی، که از نام آن مشخص است، ترجمه خود عبارت به زبان مقصد، ارائه می‌شود. این نوع ترجمه در صورت عدم وجود هماهنگی میان مفاهیم زبان مبدأ و مقصد پیشنهاد نمی‌شود. از همین‌رو، برخی صاحب‌نظران این نوع ترجمه را برای عبارات کنایی مناسب نمی‌دانند (مصطفوی‌نیا؛ طاهر، ۱۳۸۹: ۷۶)؛ ولی زمانی که معادل مناسبی در زبان مقصد برای کنایه مورد نظر یافت نشود، بهره‌گیری از معنای لفظی کنایه، مخاطب را با ساختارهای ادبی زبان مبدأ بیشتر آشنا می‌کند.

د. ترجمه تلفیقی که نگارندگان برای تلفیق ترجمه‌های تحت‌اللفظی و معنایی انتخاب کرده‌اند، می‌تواند در جایی که معادل معنایی دقیق در زبان مقصد برای کنایه، وجود ندارد، بهترین گزینه باشد؛ زیرا در این روش مترجم نه تنها مفهوم را به روش‌های مختلفی همچون پاورقی و یا توضیح در پرانتز، بیان می‌کند؛ بلکه اصل کلام را نیز به مخاطب می‌رساند و به

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

خواننده این امکان را می‌دهد که خود نیز شاهد رابطه لفظ و معنا باشد.

۴- تحلیل موردی ترجمه کنایات

از میان کنایه‌های متعدد نهج البلاغه،^۳ ترجمه شانزده مورد تعبیر کنایی که مقصود آن‌ها نکوهش و نفرین بوده است در سه ترجمه هدف، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ناگفته نماند در برخی از موارد، بیش از یک کنایه در کلام استفاده شده که در مجموع بالغ بر ۲۶ کنایه می‌گردد.

۴-۱- فَلَمْ آتِ لَا أَبَا لَكُمْ بُجْرًا (خطبه ۱۲۷)

پس ای ناکسان، نه شری را بنیاد نهادم.^۴

امیرالمؤمنین (ع) این عبارت را پس از انحراف حکمین از قرآن، خطاب به خوارج بیان می‌کنند. "لَا أَبَا لَكُمْ" عبارتی نفرین‌آمیز است که ترسیم‌گر خشم امام (ع) از ادامه اعتراض خوارج نسبت به پذیرش حکمیت از سوی آن حضرت است؛ زیرا امام، دلیل خود را در پذیرش حکمیت، برای آنان توضیح داده‌اند که او در این کار شری را نخواست و فریبی را به کار نبرده است (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۳۶).^۵

مترجمان فروتن (T1)، سیدعلی‌رضا (T2) و عسکری‌جعفری (T3) به ترتیب ترجمه‌های زیر را ارائه داده‌اند.

T1	O the baseless people! I did not cause error.
T2	May you have no father! (Woe to you), I did not cause you any misfortune.
T3	I did not advise you towards anything sinful.

مترجم اول با آوردن عبارت "baseless people" و استفاده از ترجمه معنایی، به بی‌ریشگی (freedictionary) و بی‌اصل و نسبی خوارج اشاره می‌کند.

مترجم دوم ترجمه تحت‌اللفظی را ترجیح داده و عبارت را لفظ به لفظ ترجمه کرده است، سپس با آوردن عبارت "Woe to you" در پرانتز - به معنای "وای بر تو" - بر اهمیت این مسئله از دیدگاه گوینده تأکید می‌کند. با این حال، این ترجمه تحت‌اللفظی نمی‌تواند بی‌اصل و نسب بودن خوارج را نشان دهد.

سومین مترجم هیچ عبارتی که بیانگر معنا و یا حتی لفظ نکوهش باشد، به کار نبرده است که می‌توان آن را نقصی در ترجمه دانست.

۴-۲- لَا أَبَا لِعَنِيكُمْ! (خطبه ۱۸۰)

بی‌حمیت مردم

این خطبه در مقام نکوهش سستی و نافرمانی یاران امام (ع) ایراد شده است (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۲۵۸). برخی شارحان، این عبارت را معادل "لا ابا لك" دانسته‌اند (هاشمی خویی، ۱۳۵۸: ۲۷۳). به گفته ابن‌میثم این عبارت نفرینی درباره غیر آن‌هاست؛ یعنی ذلت و خواری بر غیر شما باد! و درباره مخاطبان آن نوعی اظهار لطف است (ابن‌میثم، ۱۳۶۲، ج ۳: ۳۷۶). مکارم آن را به "دشمنان بی‌پدر باد" ترجمه کرده و البته آن را نکوهشی همراه محبت دانسته است (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۶: ۶۴۳).

T1	May your enemy be rootless!
T2	May others have no father (woe to your enemy!)
T3	Even with all this I still pray to God to show you the right path and not to let your enemy prosper.

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

مترجمان همگی با شرح ابن‌میثم همراهی کرده‌اند. مترجم اول، عبارت را از پایه، اساس و ریشه افتادن دشمن یاران امام (ع) معنا کرده است.

مترجم دوم افزون بر ترجمه "غیرکم" به "دیگران، others"، در جمله بعدی که داخل پرانتز آورده "دشمنانتان، your enemy" را ذکر می‌کند که تفسیری بر جمله قبلی محسوب می‌شود.

مترجم سوم، این عبارت را به نحوی خاص و متفاوت با ذکر قید رکود و عدم پیشرفت، ترجمه کرده، در حالی که چنین برداشتی از عبارت، در شروح یا کتب لغت ذکر نشده است، لذا تقییدی بلاوجه می‌نماید.

۴-۳- وَيْلٌ أُمِّهِ كَيْلًا بِغَيْرِ تَمَنٍّ (خطبه ۷۱)

وای بر شما که پیمانانه علم را بر شما به رایگان پیمودم.

امیرالمؤمنین (ع) در این قسمت از خطبه که پس از جنگ صفین ایراد شده است، کوفیان را سرزنش می‌کند. دلیل توبیخ کوفیان، آن بوده که از جنگ دست کشیدند و به ذلت حکمیت تن سپردند؛ درحالی که پیروزی نزدیک می‌نموده است (ابن‌میثم، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۹۵).^۶

T1	<u>Woe to you!</u> I am giving you wisdom and knowledge for free.
T2	<u>Woe to you.</u> I am giving out these measures of nice expression free of any cost.
T3	I am distributing heavenly knowledge and do not want any price

	for it... ,
--	-------------

مترجم اول و دوم عبارت "وَيْلٌ لَّكُمْ" را معادل عبارت "Woe to you!" دانسته‌اند که به معنی "وای بر تو" و معادل کنایه است. سومین مترجم، این عبارت را ترجمه نکرده است.

۴-۴- عَلَيْنَا لَعْنَةُ اللَّهِ وَلَعْنَةُ اللَّاعِنِينَ، حَائِكُ ابْنِ حَائِكٍ، مُنَافِقُ ابْنِ كَافِرٍ (خطبه ۱۹)

لعنت خدا و لعنت همه لعنت کنندگان بر تو باد ای بافنده (دروغ) و فرزند بافنده و ای منافق فرزند کافر!^۷

این فراز از کلام امیرالمؤمنین (ع) خطاب به اشعث و در جواب اعتراض او به سخنان امام (ع) بیان شده است (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۲۳). امام در این کلام پس از لعنت او و پدرش، قیس را با کنایه «حَائِكُ ابْنِ حَائِكٍ» مورد سرزنش و تحقیر قرار می‌دهد. حائک در لغت چندین معنا دارد.^۸ در دلالت معنای کنایی این عبارت اختلاف نظر هست. ابن میثم مراد از کنایه را نقص عقل و ناتوانی شخص در درک و فهم مسائل دانسته که به غرض ترک لفظ (ناپسند) بیان شده است. وجه معنای کنایی هم آن است که اشعث بافنده بوده و بافندگان به علت سر و کار داشتن با زنان و کودکان و یا به جهت مشغولیت ذهنی جهت تنظیم نخ‌ها و ... دارای عقول ضعیفی هستند (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۲۴). برخی آن را بنا به حدیثی از امام صادق (ع)،^۹ بافنده کلام درست و غلط معنا کرده‌اند (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶۴۸)؛ اما برخی محققان بنا به دلایلی از جمله آن‌که در هیچ منبعی اشعث جاعل حدیث دانسته نشده است، این معنا را نمی‌پذیرند و بهترین معنا برای این واژه را «ابله نادان» دانسته‌اند (سلمانیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۳).

واکاوی ترجمه انگلیسی کتایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

T1	May the curse of God and those who curse be on you, O liar son of liar and hypocrite son of a disbeliever.
T2	Curse of Allah and others be on you. You are a weaver and son of a weaver. You are the son of an unbeliever and yourself a hypocrite.
T3	You a wicked son of a depraved father, a hypocrite son of an infidel Sire, what do you know which part of my speech is injurious and which is beneficial to me. May the curse of God and men lie upon you.

مترجم اول حائک را دروغگو ترجمه کرده است: liar son of liar (دروغگو پسر دروغگو).

مترجم دوم، صرفاً از همان لفظ بافنده استفاده کرده که به نظر ترجمه‌ای غامض است؛ زیرا در مورد این واژه حتی خواننده عرب زبان باید توجیه شود که کدام معنای «حائک» مراد امام (ع) است و علت سرزنش چه می‌تواند باشد.

سومین مترجم با پرهیز از ترجمه تحت‌اللفظی، واژه wicked را آورده که به معنی شریر، بدکار و بدجنس و نیز با معنای ابله و نادان سازگار است.

۴-۵- تَرَبَّتْ أَيْدِيكُمْ يَا أَشْبَاهَ الْإِثْلِ غَابَ عَنْهَا رُغَائِهَا (خطبه ۹۷)

تهی دست مانند! ای همانند شتران بی ساربان.

امیرالمؤمنین (ع) در این کلام به غیرقابل اعتماد بودن کوفیان اشاره می‌کند و پس از نفرین مبنی بر تهی دست ماندنشان، آنان را به شترهایی بی ساربان تشبیه نموده‌اند که از هرسو پراکنده می‌شوند و امام را در امر مبارزه با دشمن یاری نمی‌کنند. "تَرَبَّتْ أَيْدِيكُمْ" و یا

"دستهایتان خاک آلود باد" کنایه از این است که هیچ خیری به آنها نرسد (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۲: ۸۵۴).

T1	May you be far from goodness! O people who seem like camels.
T2	Your hands may be soiled with earth. O examples of those camels.
T3	You behave like camels.

مترجم اول کنایه "تَرَبَّتْ أَيْدِيكُمْ" را دوری از خیر و خوبی ترجمه کرده است.

دومین مترجم به معنای لفظی کنایه توجه داشته و آن را "خشک شدن دست‌ها در خاک" معنا کرده است؛ حال آنکه خشک شدن دست در خاک برای مخاطب انگلیسی زبان، بیانگر معنای دوری از خیر نیست.

سومین مترجم مدلول کنایه را بازگو می‌کند؛ ولی نشانی از خود کنایه در ترجمه‌اش یافت نشد.

۴-۶- اسْكُتْ، قَبْحَكَ اللَّهُ يَا أَثْرُم! (خطبه ۱۸۴)

خاموش باش خدایت از خوبی دور گرداندا! ای دندان پیشین افتاده!

این جمله خطاب به برج‌بن مسهر شاعر مشهور خوارج است که فریاد "لاحکم الا لله"، سر داده بود. در *لسان العرب*، ذیل واژه "قبیح"، سه معنای "شکستن" و "زشت گرداندن" و "دور بودن از خیر" بیان شده است (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۲: ۵۵۲-۵۵۳). "اثرم" نیز به معنای کسی است که دندان‌های جلو او ریخته باشد (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۷۶). بر اساس این معنا، برخی شارحان گفته‌اند که امام (ع) برای سرزنش مخاطب، عیبش را بر زبان آورده است (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۳: ۴۰۹)؛ درحالی که برخی دیگر اثرم را روسپاه معنا کرده و تعبیر "اثرم" را بنا به نظر بعضی ارباب لغت، به کسی اطلاق کرده‌اند که دهان و دندان

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

او نشان می‌دهد آدم بدزبانی هست که پیش از این، مخالفانش مشت بر دهانش کوبیده‌اند (مکارم، ۱۳۷۵ ج ۷: ۱۳۳).

T1	O the toothless! Be silent, may God make you away from His mercy;
T2	May Allah disgrace you, make you ugly, O you with broken tooth.
T3	Be quite o thou with filthy mouth and broken teeth. May god not forgive you.

مترجم اول، در مورد "اثرم" به ترجمه لفظی اکتفا کرده و توضیحی پیرامون علت نامیدن شخص به این لقب نیاورده است. او بار کنایی "قبحک الله" را همان دور بودن از خیر می‌داند.

دومین مترجم، "قبحک الله" را به بی‌آبرویی ترجمه کرده که خود می‌تواند از عواقب "شکسته شدن" شخصیت برج و یا دوری او از خیر باشد. "اثرم" را نیز همانند مترجم قبلی ترجمه‌ای تحت‌اللفظی کرده است.

سومین مترجم، با آوردن عبارت "filthy mouth" (دهانی کثیف) به همراه ترجمه تحت‌اللفظی "اثرم" خواننده را به وجه این خطاب آشنا می‌کند. منظور امام (ع) کثیفی ظاهری دهان او نبوده، پس منظور کثیفی عقاید و انحرافات است که از این دهان به بیرون نشر داده می‌شود. برای عبارت "قبحک الله" نیز، یکی از مرادف‌های دوری از خیر یعنی "بخشیده نشدن توسط خداوند" را جایگزین کرده است.

۴-۷- أَضْرَعَ اللَّهُ خُدُودَكُمْ وَأَتَعَسَ جُدُودَكُمْ (خطبه ۶۹)

خدایتان خوار گرداند و بهره تان را اندک و بی مقدار!

معنای ماده "ضرع"، خوار گرداندن (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۷۰) و خدود جمع خد، به معنای چهره‌هاست. مراد از خواری چهره، خواری نفس (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۶: ۲۹۷) و در اینجا برای مذمت اصحاب سست عنصر بیان شده است (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۳۴). همچنین "تعس" به معنی "سقوط بر صورت و هلاکت" (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۲۳: ۶) و جدود جمع "جد" به معنای "بهره‌ها و نصیب‌ها" (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۲۴۵) و در مجموع به معنای ضرر و زیان و بی نصیبی انسان است (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۳۶).

ابن میثم بدون اشاره به کنایی بودن عبارت، سخن از خواری و بی بهره ماندن یاران سست عنصر به میان می‌آورد (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۸۱).

در منهاج البراعه آمده که «أَضْرَعَ اللَّهُ خُدُودَكُمْ» کنایه از ذلت نفس و بیچارگی و «أَتَعَسَ جُدُودَكُمْ» کنایه از خسارت و ناامیدی است (هاشمی خویی، ۱۳۵۸، ج ۵: ۱۲۴).

T1	May God, bring you disgrace and reduce your share [of blessings in the life].
T2	Allah may disgrace your faces and destroy you.
T3	May you be disgraced by God,

مترجم اول برای عبارت «أَضْرَعَ اللَّهُ خُدُودَكُمْ» همان معنای بی‌آبرویی و خواری را برگزیده و برای «أَتَعَسَ جُدُودَكُمْ» نیز معنای بی بهره ماندن از نعمت‌های زندگی را بیان کرده که به نحوی همان نتیجه خسارت و ناامیدی و نوعی ترجمه تلفیقی است؛ زیرا هم ظاهر

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

کلام را به بی‌بهره ماندن ترجمه کرده و هم معنای اصلی، یعنی بی‌بهرگی از نعمت‌های زندگی را در پرائتز آورده است.

مترجم دوم برای فراز اول، همانند فروتن/مرعشی، معنای بی‌آبرویی و خواری را ارائه داده؛ ولی برای قسمت دوم، به جای معنا نمودن خود کنایه، نتیجه بی‌بهره ماندن - هلاکت و نابودی- را بیان کرده است.

سومین مترجم برای هر دو فراز، یک جمله آورده و تنها به بی‌آبرویی و خواری اشاره نموده است. گویی نتیجه خواری روی و بی‌بهره ماندن را یک‌جا خواری و بی‌آبرویی معرفی می‌کند. ایشان قسمتی از کلام را حذف کرده که راهبرد درستی نیست.

در ترجمه فراز اول، هر سه مترجم معنای کنایه یعنی خواری را بیان کرده‌اند. در ترجمه فراز دوم مترجم اول، نابودی تلاش را به بی‌بهره ماندن از نعمت‌های خداوند معنا کرده است. درحالی که اگر به خسارت و ناامیدی اشاره می‌کرد، زیباتر جلوه می‌کرد. دومین مترجم نیز اشاره‌ای به بی‌بهرگی از هیچ نوعش نمی‌کند؛ نه بی‌بهرگی از نعمت‌های خدا و نه بی‌بهرگی از نتیجه کار و تلاش و امید. سومین مترجم نیز تنها به نتیجه اکتفا کرده است و زیبا بود اگر اشاره‌ای به ظاهر کنایه نیز می‌شد تا خواننده هم از آن بهره ببرد.

۴-۸- أَصَابَكُمْ حَاصِبٌ وَلَا بَقِيَّ مِنْكُمْ [آبَر] (خطبه ۵۸)

سنگ بلا بر سرتان ببارد، چنانکه نشانی از شما باقی نگذارد!

این کلام درباره آینده خوارج است. عبارت «لَا بَقِيَّ مِنْكُمْ آثَرٌ» بر سه وجه روایت شده است: "آبر، آثر و آبز" که به ترتیب هرس کننده خرما، راوی حدیث، جهنده و هلاک شونده معنا شده‌اند. سید رضی (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۹۳) واژه دوم را درست دانسته است. بر این اساس، یعنی کسی از شما نم‌اند که حدیث شما را روایت کند. کنایه‌ای در این دو عبارت

وجود دارد که به معنای وارد شدن عذاب بر خوارج و از بین رفتن نسلشان است (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۵۲).

ابن ابی الحدید نیز بعد از معنا کردن واژه "حَاصِبٌ" به بادی که سنگریزه را بلند می‌کند، مطالبی بر گفتار سیدرضی می‌افزاید: ممکن است واژه "آبر" به معنای سخن‌چینی که دو به هم زنی می‌کند، "آثر" به معنای خراشنده کف پای شتر، یا حتی "هابر" به معنای کسی که شمشیر می‌زند و قطع می‌کند، نیز باشد (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷، ج ۴: ۱۳۰).

T1	May the storm of disasters strike you and leave nothing of you!
T2	Storms may overtake you while there may be none to prick you (for reforms).
T3	May you be punished by God (for falsely defaming me) may nobody remain amongst you to correct your wrong views and to introduce reforms in your society.

مترجم اول، طوفان بلاها را (storm of disasters) برای ترجمه بادهای سهمگین آورده که نوعی ترکیب اضافی است و نه تنها به معنای تحت‌اللفظی که همان طوفان باشد، اشاره می‌کند؛ بلکه با اضافه کردن بلاها به آن، پرده از معنای کنایه که همان عذاب الهی است، برمی‌دارد (روش تلفیقی). سپس در ترجمه فراز بعدی، واژه "آثر" را برمی‌گزیند و با بیان باقی‌نماندن هیچ اثری از خوارج، جمله را ترجمه می‌کند (leave nothing of you).

مترجم دوم نیز "حَاصِبٌ" را به طوفان و با گزینش واژه "آبر"، آن را به اصلاح‌کننده آنان ترجمه می‌کند. می‌توان گفت او نیز با افزودن توضیح در پرانتز، ترجمه‌ای تلفیقی کرده

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

است. البته طوفان می‌تواند علامت عذاب الهی باشد و سیاق گفتاری امیرالمؤمنین (ع) نیز حاکی از نوعی نفرین و درخواست عذاب برای خوارج است؛ هرچند که به درخواست نابودی و نزول عذاب، تصریح نمی‌شود.

سومین مترجم در همان ابتدا معنای کنایه را بیان می‌کند (punished by God) و ترجمه مستقیمی از "حَاصِبٌ" ندارد. وی وجه "آبر" را ترجیح داده است؛ لذا معنای کسانی که افکار و رفتارشان را اصلاح می‌کنند، در ترجمه دیده می‌شود. وی با ارائه نکردن واژه جایگزین و در عوض توضیح معنای واژه در قالب جمله، در واقع ترجمه‌ای تفسیری نموده است. البته ایشان به نفرین امام مبنی بر نابودی این قوم اشاره نمی‌کند.

۴-۹- یا اَبْنَ اللَّعِينِ الْاَبْتَرِ وَالشَّجَرَةَ الَّتِي لَا اَصْلَ لَهَا وَلَا فَرْعَ، اَنْتَ تَكْفِيهِ!؟ فَوَاللَّهِ مَا اَعَزَّ اللَّهُ مَنْ اَنْتَ ناصِرُهُ، وَلَا قَامَ مَنْ اَنْتَ مُنْهَضُهُ؛ اَخْرِجْ عَنَّا، اَبْعَدَ اللَّهُ نَوَاكٍ، ثُمَّ اَبْلُغْ جَهْدَكَ، فَلَا اَبْقَى اللَّهُ عَلَيْكَ اِنْ اَبْقَيْتَ.

(خطبه ۱۳۵)

فرزند لعین ابتر، و درخت بی ریشه و بر، تو مرا کفایت می‌کنی؟ به خدا سوگند، کسی را که تو یاور باشی خدایش نیرومند نگرداند، و آن که تواس برخیزانی بر پا نماند. از نزد ما بیرون شو، خدایت خیر ندهاد، پس هر کار خواهی بکن. که اگر زننده مانی خدایت از رحمت دور کند.

در این خطبه سه عبارت نکوهش‌آمیز وجود دارد که در آن‌ها کنایاتی برای تحقیر و مذمت یکی از دشمنان حضرت جای گرفته است. این کلام در زمانی که شعله‌های فتنه و اعتراض علیه عثمان شدت گرفته بود و مردم از امام (ع) درخواست میانجی‌گری کرده بودند، ایراد شده است. یکی از ملازمان عثمان، به نام مغیره بن اخنس، در میانه گفتگو و

منازعه، از عثمان می‌خواهد منازعه با امام را به او واگذارد. در این حال، امام این شخص را به نداشتن ریشه و نسب نکوهیده و او را لعنت کرده است.

واژه شجره استعاره از خاندان است (ابن‌میثم، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۶۴). "نوا" در عبارت "أَبْعَدَ اللَّهُ نَوَاكَ" به معنای "هدف و مقصد مسافرت" (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۹۴) و یا منزل و مسکن (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۲۴) است.

T1	O son of the cursed and barren one and the tree with no roots and no branches*, you want to deal with me? By God, God gives no honor to he who is helped by you, and the one that you try to raise will never be raised. Leave our presence. May God deprive you from goodness. Do whatever you can, God will never be merciful with you, even if you are ever merciful with me. *(Mughayrah was son of Akhnas; he was one of the polytheists of Makkah; his brother was killed in the battle of Uhud by Ali(s), so he held the grudge against Ali (s); his son: Mughayrah, penetrated to the government of 'Uthman and amassed great wealth and he along with Uthman resisted against Ali (s))
T2	O son of the accursed and issueless, and of a tree which has neither root nor branch. Will you deal with me? By Allah, Allah will not grant victory to him whom you support, nor will he be able to stand up whom you raise. Get away from us. Allah may keep you away from your purpose. Then do whatever you like .Allah may not

واکاوی ترجمه انگلیسی کتایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

	have mercy on you if you have pity on me.
T3	You are an accursed son of such a person whose identity could not be truly established. You belong to a family which never had any status or position. Could you (a coward) ever dare to fight against me. By God! The Lord will never grant him victory whom you help. The one who receives your assistance will never be able to help himself. Get you gone from my society. May God not help you to achieve your end. You will never attain success even if you try to support me let alone your vanity to imagine yourself capable of defeating me.

فروتن، قسمت اول را، ترجمه تحت‌اللفظی می‌کند و از بیان "لعین، ابتر و درختی بی‌ریشه و بر" به زبان اصلی بهره می‌گیرد که البته به دلیل قابل فهم بودن این کنایه، برای مخاطب انگلیسی زبان، به نظر بهترین انتخاب می‌آید. برای عبارت "أَبْعَدَ اللَّهُ نَوَاكٍ"، ترجمه معنایی ارائه می‌دهد و از آن با بیان "خداوند تو را از خوبی دور کند" یاد می‌کند که به این صورت، غرض از کنایه را در محل ترجمه قرار داده است. وی "فَلَا أَبْقَى اللَّهُ عَلَيْكَ إِنُّ أَبْقَيْتَ" را نیز که ترجمه تحت‌اللفظی آن «اگر باقی ماندی، خدا بر تو باقی نخواهد ماند (خدا به تو رحم نخواهد کرد)» است، با ارائه ترجمه‌ای معنایی به مخاطب منتقل می‌کند. او می‌کوشد مفهوم مدنظر امام را منتقل کند که نفی ادعای مهربانی ورزیدن مغیره با امام است. هم‌چنین باقی نماندن خدا بر او را نیز به معنای مهربان نبودن خداوند و رحم نکردن او بر مغیره، ترجمه کرده است. با این حال، به نظر می‌رسد اگر "باقی ماندن بر کسی"،

"حامی شخص بودن" ترجمه می‌شد. بار معنایی این کنایه راحت‌تر به مخاطب منتقل می‌شد.

فروتن با اضافه کردن یک پاورقی، بعد از کنایه نکوهش‌آمیز اولی، به شخصیت و پیشینه "مغیره" اشاره‌ای به جا دارد تا مخاطب، علت نفرین امام (ع) و برخورد سرزنش‌گر ایشان را دریابد.

سیدعلی‌رضا قسمت اول کنایه را، "لعین، بی‌فرزند" و درختی بدون ریشه و شاخه" ترجمه کرده که همانند ترجمه اول، تحت‌اللفظی و در عین حال قابل فهم است. برای عبارت "أَبْعَدَ اللَّهُ نَوَاكُ" نیز گفته، «خداوند تو را از هدف و خواست دور نگه دارد». به نظر این ترجمه لفظی، بهتر مخاطب را متوجه علت نفرین امام (ع) می‌کند؛ چرا که اشاره به "هدف و خواسته" شوم مغیره می‌کند. در قسمت سوم نیز، "باقی ماندن مغیره بر امام (ع)" را "دلسوزی او بر امام (ع)" و "باقی ماندن خداوند بر مغیره" را "مهربانی و رحمت خداوند بر او" و به نوعی ترجمه‌ای معنایی ارائه داده است که البته همان‌طور که در تحلیل ترجمه پیشین بیان شد، به خوبی بیان‌گر غایت نکوهش و مذمت امام (ع) نیست.

مترجم سوم، واژه "لعین" را تحت‌اللفظی و باقی‌کنایات را به جز در "أبعد الله نواك"، به صورت معنایی بیان می‌کند. وی "ابتر" را به "بی‌هویتی"، و "بی‌ریشه و بر بودن" را به "نداشتن مقام و موقعیت" ترجمه می‌کند. در ترجمه عبارت "أَبْعَدَ اللَّهُ نَوَاكُ" نیز می‌گوید: «خداوند تو را در رسیدن به هدف کمک نکند»، که چونان مترجم دوم، گویی، علت نفرین را به اهداف سیاه و شوم ارجاع می‌دهد. برای قسمت سوم نیز ترجمه‌ای کاملاً جدا از کلام تحت‌اللفظی ارائه می‌دهد: «حتی اگر تلاش در حمایت از من داشته باشی، هیچگاه موفق به این امر نخواهی شد، چه برسد به این که تصور کنی می‌خواهی من را شکست دهی!» که این نیز برداشتی متفاوت از دو ترجمه قبلی است.

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

۱۰-۴- ثَكِلْتَكِ الثَّوَاكِلُ يَا عَقِيلُ هَبْلَتِكَ الْهَبُولُ (خطبه ۲۲۴)

نوحه‌گران بر تو بگریند، گریستن مادر به داغ فرزند... مادر بر تو بگرید!

عقیل، برادر امیرالمؤمنین (ع) درخواست سهم بیشتری از بیت المال دارد و بر خواسته خود پافشاری می‌کند. امام (ع) برای این که عقوبت درخواست اشتباهش را به او گوشزد کند، آهن داغی به دست او نزدیک می‌کند تا گرمای آتش دنیا را در جای عذاب سوزان آخرت بچشد. وقتی عقیل از رفتار امام (ع) شکایت می‌کند، حضرت می‌فرماید: «ثَكِلْتَكِ الثَّوَاكِلُ يَا عَقِيلُ». یعنی، زشتی درخواست تو آنقدر زیاد است که اگر بمیری و مادرت در عزایت گریان شود، حق است. بدین طریق همگان در می‌یابند که حکومت علی (ع) همانند خلافت عثمان، جایی برای امتیازخواهی نیست (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۸: ۴۰۷).

"ثکل" در عبارت «ثَكِلْتَكِ الثَّوَاكِلُ» جمع ثاکله و به معنای مادر فرزندمرده و یا زن عزادار است (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۸۹: ۱۱). تعبیر «ثَكِلْتَكِ الثَّوَاكِلُ» معادل گفتار خدا مرگت دهد در زبان فارسی است که در واقع نهی شدید از کار ناپسند محسوب می‌گردد (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۸: ۴۲۳-۴۰۴).

امام (ع) داستان دیگری را برای بیان موضع خود نسبت به امتیازخواهی افراد از وی، در همین خطبه نقل می‌کند. داستانی از یک منافق به نام "اشعث بن قیس" که حلوایی برای هدیه به پیشگاه امام (ع) آورد و در قبال آن درخواستی ناروا از حضرت داشت. امام (ع) در نکوهش او می‌فرماید: «هَبْلَتِكَ الْهَبُولُ». واژه "هبل" به معنای از دست دادن مادر، فرزندش را است. "هبول" نیز به معنای مادرانی است که فرزند خود را از دست داده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۹۷). همچنین "هبول" صفت مشبهه بالفعل، به معنای زنی است که فرزندانش زنده نمی‌مانند و برایشان بسیار گریه می‌کند (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۸: ۴۱۸). این عبارت در

کتب لغت، با کاربردهای مدح و تعجب نیز بیان شده^{۱۱} (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۶۸۶) ولی در هر حال، غرض کنایه، نکوهش است (نک. اقبالی، ۱۳۹۶: ۲۴۶).

عبارت "هَبَلَتْهُمُ الْهَبُولُ" در خطبه ۲۲ نیز به چشم می خورد. امام (ع) بعد از شنیدن خبر سرکشی ناکثین و جنگ افروزی شان به بهانه خونخواهی عثمان، خطبه ای ایراد فرمودند و در آن، با شجاعت تمام، طلحه، زبیر و پیروانشان را همراه با سرزنش و توبیخ، تهدید به جنگ کردند. ایشان عمق ناپسندی رفتار و اقدامات آن ها را با کلامی بیان می دارند که عرب در نفرین از آن استفاده می کند (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۳۷).

T1	May bereaved mothers cry for you, O 'Aqīl... May your mother mourn for you!
T2	Moaning women may moan over you, O 'Aqīl... Childless women may weep over you.
T3	I replied: O my brother you cry out when you fear that the fire... May you not live long.

مترجم اول و دوم، "تَكَلَّتْكَ التَّوَاكِلُ" را به معنای مادران نوحه گر (در فقدان فرزندانشان) تلقی کرده اند. هر دو مترجم نوعی ترجمه تحت اللفظی، هرچند با عباراتی متفاوت، ارائه داده اند. سومین مترجم این عبارت را به کلی ترجمه نکرده است و اشاره ای به نکوهش ایشان بدین لفظ نمی کند.

مترجم اول، عبارت «هَبَلَتْكَ الْهَبُولُ» را به معنای «مادر بر تو گریان شود» و یا همان «مادرت به عزایت بنشیند» ترجمه کرده؛ دومین مترجم، ترجمه تحت اللفظی ارائه داده:

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

"مادران بی‌فرزند بر تو گریه کنند" که در هر دو ترجمه، لفظ کنایی حفظ شده است. حال آنکه در ترجمه سوم عبارات «زندگیت کوتاه باد» و یا «عمرت دراز مباد!» آمده که گویی نتیجه و مفهوم اولیه کنایه را جایگزین لفظ کرده است.

در ترجمه "هَبِلَتْهُمُ الْهَبُولُ" نیز مترجمان اینگونه عمل کرده‌اند:

T1	May their mothers mourn for them
T2	May the mourning women mourn over them.
T3	Sad will be their plight if they forget my past performances and if they under estimate me.

مترجم اول "گریه کنندگان" را به معنای "مادرشان" ترجمه کرده که می‌توان گفت معنا برای مخاطب ملموس‌تر شده است.

مترجم دوم نیز "گریه کنندگان" را به "گریه کنندگان زن" ترجمه کرده که هرچند با معنای تحت‌اللفظی "هَبُول" که به معنای "زنان فرزند از دست داده" است، هماهنگی بیشتری دارد؛ ولی برای مخاطب کمی ناملموس است.

سومین مترجم، صرفاً علت نفرین امام (ع) را با عبارتی بیان می‌دارد که معادل عربی آن در خطبه موجود نیست و هیچ اشاره‌ای به لفظ نکوهش نمی‌کند.

۴-۱۱- فَقُبْحاً لَكُمْ وَتَرَحَّأً (خطبه ۲۷)

زشت بادید و از اندوه برون نیایید.

تَرَحًّا، به معنای «اندوه و حزن» است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۹۰). این فراز از کلام امیرالمؤمنین (ع) اشاره به زمانی است که ایشان بارها از مردم درخواست یاری برای مبارزه با معاویه کردند و هر بار مردم با بهانه‌ای از ایشان روی گرداندند که امام (ع) به شدت غمگین می‌شود و یاران سست عنصر خود را به تندی سرزنش و نفرین می‌کند تا همواره قرین حزن و اندوه گردند (مکارم ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۶۰).

T1	May God disgrace you and may He make you sorrowful.
T2	Woe and grief befall you.
T3	Sorrow and shame is going to be your lot.

ترجمه‌های این کنایه، همگی تحت‌اللفظی است. ترجمه اول، بی‌آبرویی (قیح) و غم (ترح) و ترجمه دوم شرمساری و حسرت را بیان داشته‌اند. ترجمه سوم، نیز با جابه‌جایی واژه‌های شرمساری و غم و اندوه، به یاران سست عنصر، آینده‌ای پر از شرمساری و اندوه را گوشزد می‌کند.

۴-۱۲- قُبِعْدًا لَهُمْ وَ سُحْقًا (نامه ۷۰)

دور بوند دور از رحمت خدا.

حضرت این نامه را برای سهل بن حنیف، فرماندار مدینه و در پی فرار عده‌ای برای رسیدن به ثروت بیشتر، به نزد معاویه، نگاشتند. ایشان "سهل" را دلدار می‌دهند که ناراحت نباشد. امیرالمؤمنین (ع) حال این افراد را، ذیل عبارت "قُبِعْدًا لَهُمْ وَ سُحْقًا" دنیاپرستانی معرفی می‌کنند که از رحمت خداوند دور هستند (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۵: ۵).

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

(۲۲۶). "سحق" به معنای "دورماندن" و یا "دورماندن از رحمت خداوند" است (فراهِیدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۶-۳۷).

T1	May they be far and away from God's mercy.
T2	Let them remain remote and far away.
T3	where justice and equity are abhorred. I swear by God that these people are not running away from injustice...

مترجم اول این عبارت را در قالب نفربینی متضمن بر دور بودن از رحمت خداوند بازگو می‌کند که ترجمه‌ای تحت‌اللفظی به ضمیمه معنای آن است (تلفیقی). دومین مترجم، این عبارت را مزیت دور بودن این دنیاپرستان از حکومت سهل بیان می‌کند: «همین بهتر که از تو دور هستند و از تو فاصله گرفته‌اند». سومین مترجم گویی این عبارت را به صورت تحت‌اللفظی ترجمه نکرده و صرفاً به جهت نکوهش افراد گرویده به معاویه، تفسیری بر ماجرا نگاشته و معنای آن را بدون اشاره به لفظ، ارائه داده است.

۴-۱۳- أَمَّا إِنَّهُ سَيُظْهِرُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي رَجُلٌ رَحْبُ الْبُلْعُومِ، مُنْدَحِقُ الْبُطْنِ (خطبه ۵۷)

همانا پس از من مردی بر شما چیره شود، که گلویی گشاده دارد و شکمی فراخ و برون افتاده.

واژه «رَحْبُ الْبُلْعُومِ» به معنای گشادی گلو، کنایه از پرخوری و شکمبارگی و به غرض تحقیر همراه با مبالغه استفاده شده است. میان شارحان درخصوص شخص مدنظر (رحب البلعوم) اختلاف نظر وجود دارد؛ هرچند اکثر آنان معاویه را مراد می‌دانند؛ زیرا مردی بزرگ شکم و پرخور بوده است (نک. ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۵۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷، ج ۴: ۵۵).

T1	Indeed, a <u>gluttonous man with a big belly</u> shall rule over you after me.
T2	Soon after me, there would be put on you a man with a broad <u>mouth and a big belly</u> .
T3	Certainly, after my death you will be overpowered and ruled by a <u>potbellied glutton</u> .

در ترجمه اول، از واژه *gluttonous man* استفاده شده که به معنای مردی شکمباره است. مترجم دوم، «رَحْبُ الْبُلْعُومِ» را گشاده دهان ترجمه می‌کند. این ترجمه صرفاً تحت‌اللفظی است که دو معنا دارد: شکمو و پرحرف لذا ترجمه او نارسا است. البته ممکن است با نظر به عبارت بعدی، «مُنْدَحِقُّ الْبَطْنِ» (دارای شکمی بزرگ بودن)، بتوان مراد را انتقال داد.

مترجم سوم با آورده واژه *potbellied glutton* (شکمباره‌ای چاق)، دو صفت گشاده دهان و بزرگ شکم بودن را با هم ادغام و با ترکیبی وصفی آن را ترجمه کرده است؛ ترجمه‌ای که می‌توان آن را هم معنایی و هم تحت‌اللفظی محسوب کرد. در این نوع ترجمه، زیبایی اصل کلام نیز منتقل می‌شود.

هر سه مترجم، بخش معرفی خطبه را ترجمه کرده‌اند؛ لذا خواننده شخص مدنظر کنایه یعنی معاویه را می‌شناسد و مراد کنایه را بهتر درمی‌یابد.

۱۴-۴- لَكَائِي أَنْظُرُ إِلَى ضَلِيلٍ قَدْ نَعَى بِالشَّامِ (خطبه ۱۰۱)

گویی مردی را می‌بینم سخت گمراه -دینش در راه دنیا تباه- که از شام بانگ بردارد و در تازد.

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

حضرت در این کلام از وقوع فتنه در شام خبر می‌دهد. واژه «ضَلِيلٌ» صیغه مبالغه، به معنای بسیار گمراه است. برخی شارحان این جمله را خبر از آینده و مراد از ضلیل را معاویه بیان کرده‌اند (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۱). بعضی دیگر این واژه را کنایه از عبدالملک بن مروان می‌دانند؛ زیرا این ویژگی‌ها در او آشکارتر از دیگران است (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷، ج ۷: ۱۰۰-۱۰۱).

T1	As if I can see an extremely misled person cawing in Shām
T2	Well, it is as though I see a misguided man 1 who is shouting in Syria (ash-Sham)
T3	I am thinking of a person from Syria, who is misguided and is misleading people with loud and flagrant lies.

مترجم اول واژه "نعق" را که به معنای فریاد بلند و یا فریادی است که چوپان با آن گوسفندان را جمع می‌کند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱: ۱۷۰) به واژه "cawing" برگردانده که به معنای "قار قار کردن کلاغ و یا هر صدای بلند و یا ناخوشایندی که برخی پرندگان ایجاد می‌کنند" (Oxford Learners Dictionaries) است. می‌توان گفت این واژه بار منفی کلمه "نعق" را به خوبی منتقل می‌کند.

در ترجمه دوم، برای واژه "نعق" از تعبیر "shouting" استفاده شده است که به خوبی بیانگر بار منفی "نعق" در این جایگاه نیست.

سومین ترجمه، با بیان این مطلب که شخص مورد نظر، مردم را با "دروغ‌هایی آشکار" (flagrant lies) گمراه می‌کند، واژه "نعق" را به نحوی تفسیر نموده است.

در ترجمه دوم و سوم به اشخاص مدنظر امام اشاره شده است که برای خواننده فهم کلام را سهل تر می کند.

۴-۱۵- ثَقِيلَ الظَّهْرِ، ضَنْبِيلَ الْأَمْرِ (نامه ۲۰)

در مانده به هزینه عیال، و خوار و پریشان حال.

حضرت در این نامه، به "ابن ابیه" که جانشین "ابن عباس" در بصره بود، درباره خیانت در بیت المال هشدار می دهد. عبارت "ثَقِيلَ الظَّهْرِ" به معنای شخص سنگین پشت (کوله ای و باری سنگین بر پشت دارد) و کنایه از کسی است که عائله فراوان دارد (کثیرالعیال) (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۲۱). همچنین "ضَنْبِيل" در عبارت "ضَنْبِيلَ الْأَمْرِ" به معنای حقیر، کوچک و نازک است (همان، ج ۱۱: ۳۸۸).

ابن میثم این عبارت را کنایه از جمله ای می داند که عقوبت آن نخست سبب نقصان و کمبود مال (ثَقِيلَ الظَّهْرِ) و سپس سبب کم آبرویی (ضَنْبِيلَ الْأَمْرِ) می گردد که هر دو اسبابی برای سلب کمالات دنیوی و سعادت اخروی است (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۴: ۳۹۹).

T1	heavy backed, and humiliated.
T2	heavy backed and humiliated.
T3	Besides this poverty there will be the burden of sins on your shoulders, you will be disgraced.

مترجم اول "ثَقِيلَ الظَّهْرِ" را ترجمه تحت اللفظی کرده (پشتی سنگین، heavy backed) و برای «ضَنْبِيلَ الْأَمْرِ» واژه حقیر و پست را انتخاب نموده که می توان گفت ترجمه قسمت دوم تا حدی به معنای کنایه نزدیک تر شده است.

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

مترجم دوم، به همان شیوه مترجم اول عمل کرده و حتی در انتخاب واژگان با هم اختلافی ندارند.

مترجم سوم تلفیقی از معنا و لفظ را ارائه داده است و برای "ثَقِيلَ الظَّهْرِ" می‌نویسد علاوه بر فقر مادی، بار گناهان بر دوش توست و برای "ضَنْبِيلَ الْأَمْرِ"، واژه بی‌آبرو (disgraced) را انتخاب می‌کند.

۴-۱۶- قَوْلَهُ لَقَدْ ظَهَرَ الْحَقُّ، فَكُنْتُ فِيهِ ضَنْبِيلاً شَخْصُكَ، خَفِيّاً صَوْتُكَ (خطبه ۱۸۴)

به خدا حق پدید شد، و تو ناچیز بودی و آوازت آهسته.

برج، از شاعران مشهور فرقه خوارج شعار «لاحکم الا لله» را بلند سر داد تا به گوش حضرت برسد. امیرالمؤمنین (ع) برای این که او را تقبیح کند، لاغری و زبونی شخصیت اجتماعی [نک. ضنبیل در کنایه قبلی] او را در دوران ظهور حق، کنایه از حقارت و گمنامی او می‌داند. عبارت "خَفِيّاً صَوْتُكَ" نیز کنایه از زبونی وی و عدم توجه مردم به گفته‌های او است (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۳: ۴۰۹).

T1	By God when the truth emerges victorious, <u>you were weak, worthless and silent</u> (and you did not speak to defend truth).
T2	Certainly, by Allah, when truth became manifest even then <u>your personality was weak and your voice was low.</u>
T3	When truth and justice were in power you <u>were in a humble and disgraceful state.</u>

مترجم اول در کنار ترجمه تحت‌اللفظی (weak,...silent)، یک خصیصه دیگر (worthless, did not speak to defend truth) افزوده است تا خواننده را بیشتر با مفهوم کلام آشنا کند. برای ضعیف بودن، از تفسیر بی‌ارزش بودن، و برای صدای آهسته داشتن، جمله «برای دفاع از حقیقت صحبت نکردی» را می‌افزاید.

در قسمت اول، مترجم دوم، ترجمه‌ای معنایی ارائه می‌دهد: «شخصیت تو ضعیف بود» وی برای ضعیف بودن صدا، صرفاً به ترجمه لفظی آن اکتفا می‌کند (your voice was low).

مترجم سوم دو قسمت کنایه را با هم می‌آمیزد و در قالب یک جمله ارائه می‌دهد: «زبون و بی‌ارزش بودی» (in humble and disgraceful state).

۵- نتیجه‌گیری

پس از واکاوی ترجمه‌های انگلیسی نهج‌البلاغه در موضوع کنایات نفرین و نکوهش، می‌توان نتایج آن را از چند منظر بیان کرد:

نخستین نکته عدم ترجمه بیش از ۲۰٪ کنایه‌ها در ترجمه عسکری جعفری است. این رخداد به هر دلیل باشد مسلماً از دشواری برگردان کنایه‌ها حکایت دارد. همان‌طور که مترجمان در هیچ یک از کنایه‌ها، معادل نمادین در زبان مقصد نیافته‌اند و نتوانستند از روش کنایی بهره بگیرند.

هر سه مترجم از روش معنایی مدد گرفتند. بیش از همه، فروتن/مرعشی از ترجمه معنایی بهره برده است. ایشان نیمی از کنایه‌ها را بدین روش ترجمه می‌کند. همچنین عسکری جعفری (۴۲٪) و سیدعلی‌رضا (۳۱٪) در رتبه بعدی هستند. در سوی مقابل، سیدعلی‌رضا از روش تحت‌اللفظی بیش از سایر روش‌ها (۶۵٪) بهره برده که میزان قابل توجهی است.

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

توجه کمتر مترجمان به روش تلفیقی، آن‌ها را از مزایای این روش بی‌بهره کرده است. با این حال، فروتن/مرعشی از این منظر سهم بالایی دارد.

می‌توان گفت ترجمه فروتن/مرعشی در برگردان کنایات به زبان انگلیسی، با بهره‌گیری متناسب‌تر از انواع روش‌های ترجمه، رساتر و توانمندتر عمل کرده است. با این حال، هنوز ترجمه انگلیسی کنایات، شایسته توجه بیشتر مترجمان است که با دقت بر ظرایف بلاغی کنایه و به‌ویژه اهداف به‌کارگیری آن در متن نهج البلاغه، بتوان مراد عالی‌ه این متن را در زبان مقصد منتقل کرد.

جدول ۱. روش ترجمه کنایات

ردیف	کنایه	فروتن/مرعشی	سیدعلی‌رضا	عسکری‌جعفری
۱	فَلَمْ آتِ لَا أَبَا لَكُمْ بُجْرًا	معنایی	تحت‌اللفظی	-
۲	لَا أَبَا لَغَيْرِكُمْ!	معنایی	تحت‌اللفظی	معنایی
۳	وَيْلُ أُمِّهِ كَيْلًا بَغَيْرِ ثَمَنِ	معنایی	معنایی	-
۴	حَائِكُ ابْنِ حَائِكٍ	معنایی	تحت‌اللفظی	معنایی
۵	تَرَبَّتْ أَيْدِيكُمْ	معنایی	تحت‌اللفظی	-

۶	اسْكُتْ، قَبَحَكَ اللَّهُ	معنایی	معنایی	معنایی
۷	يَا أَتْرُم!	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی
۸	أَضْرَعَ اللَّهُ خُدُودَكُمْ	معنایی	معنایی	معنایی
۹	وَأَتَعَسَ جُدُودَكُمْ	تلفیقی	معنایی	معنایی
۱۰	أَصَابَكُمْ حَاصِبٌ وَلَا بَقِيَّ مِنْكُمْ [أَبْر] أَثَرٌ	تلفیقی	تلفیقی	معنایی
۱۱	يَا ابْنَ اللَّعِينِ الْأَبْتَرِ	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی
۱۲	وَالشَّجَرَةُ الَّتِي لَا أَصْلَ لَهَا وَلَا فَرْعَ	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی
۱۳	أَبْعَدَ اللَّهُ نَوَاكَ	معنایی	تحت اللفظی	تحت اللفظی
۱۴	فَلَا أَبْقَى اللَّهُ عَلَيْكَ إِنَّ أَبْقَيْتَ	معنایی	معنایی	معنایی
۱۵	تَكَلَّتْكَ الثَّوَاكِلُ يَا عَقِيلُ	تحت اللفظی	تحت اللفظی	-

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

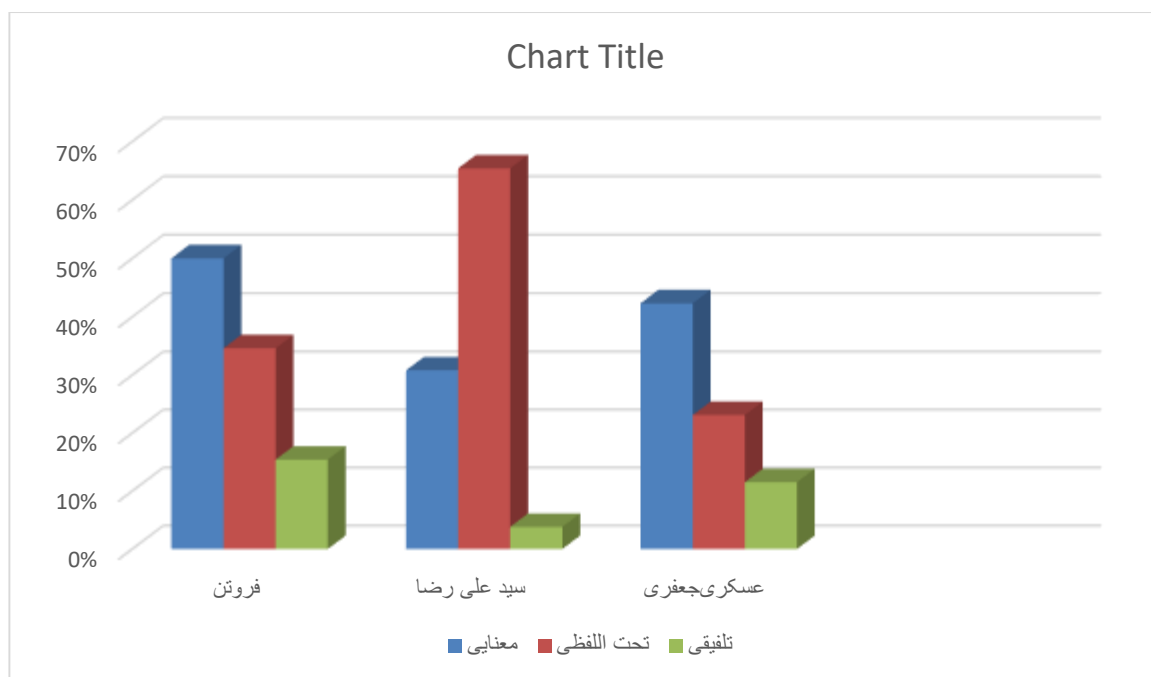
۱۶	هَبِلْتُكَ الْهَبُولُ	تحت اللفظی	تحت اللفظی	-
۱۷	فَقُبِحَا لَكُمْ وَتَرَحَّا	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی
۱۸	فَبُعِدَا لَهُمْ وَ سُحِقَا	تلفیقی	تحت اللفظی	معنایی
۱۹	رَحِبُ الْبُلْعُومِ	معنایی	تحت اللفظی	تلفیقی
۲۰	مُنْدَحِجُّ الْبَطْنِ	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تلفیقی
۲۱	ضَلِيلٌ	تحت اللفظی	معنایی	تحت اللفظی
۲۲	قَدْ نَعَى بِالسَّامِ	معنایی	تحت اللفظی	معنایی
۲۳	ثَقِيلَ الظَّهْرِ	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تلفیقی
۲۴	صَنِيلَ الْأَمْرِ	معنایی	معنایی	معنایی
۲۵	صَنِيلًا شَخْصًا	معنایی	معنایی	تحت اللفظی
۲۶	خَفِيًّا صَوْتُكَ	تلفیقی	تحت اللفظی	معنایی

جدول ۲. فراوانی روش در ترجمه‌ها

روش ترجمه	فروتن/مرعشی	سیدعلی‌رضا	عسکری جعفری
معنایی	50%	30/8%	42/3%
تحت‌اللفظی	34/6%	65/4%	23/1%
تلفیقی	15/4%	3/8%	11/5%
کل	100%	100%	76/9%

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

نمودار ۱. نسبت تمایل مترجمان به روش‌های ترجمه



پی‌نوشت

۱. ترجمه‌هایی نیز وجود دارد که مؤلف موفق به اتمام و یا چاپ آنها نشده است. تمام ترجمه‌های موجود نیز در دسترس همگان قرار ندارد (برای اطلاع بیشتر درباره ترجمه‌ها نک. اسحاقی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۷-۳۵۹).
2. www.iqna.ir (23/6/1400).

۳. برخی محققان تمام کنایه‌های نهج البلاغه را با غرض آن‌ها فهرست کرده‌اند (نک. رستمی، ۱۳۷۳: ۲۴۸-۲۶۹) که یکی از منابع اصلی برای گزینش کنایات در تحقیق حاضر بوده است.
۴. در عبارات انتخابی نهج البلاغه از نسخه صبحی صالح و ترجمه شهیدی استفاده شده است.

۵. البته دیدگاه‌های دیگری درباره غرض این کنایه وجود دارد که گاه قابل جمع نیست. از آن جمله اغراضی چون مدح، تعجب، غفلت‌زدایی و دشنام را می‌توان برشمرد (برای مطالعه دیدگاه‌های بیشتر نک. میرزایی؛ خاتمی، ۱۳۹۹؛ سلمانیان؛ احسانی، ۱۴۰۲: ۱۶۲ و ۱۶۴).
۶. بر مراد جمله "وَيْلُ أُمَّهِ" مناقشاتی وجود دارد تا جایی که برخی معنای نفرین را نفی و آن را دال بر مدح، تعجب و تحسر دانسته‌اند (نک. فراتی، ۱۳۹۶: ۵۱).
۷. شهیدی "حَائِكُ ابْنُ حَائِكٍ" را "متکبر متکبر زاده" ترجمه کرده است که با نظر شارحان همسو نیست؛ لذا از ترجمه مکارم استفاده شد.
۸. برای حائک دو ریشه یاد شده است: حیک؛ حوک. حائک از ریشه "حیک" به دو معنای تکبر و نفوذ و از ریشه "حوک" به سه معنای بافتن، سرودن شعر و ثابت شدن است (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۸۳).
۹. امام "حائک" را چنین معنا می‌کند: کسی که دروغ علیه خدا و پیامبر می‌بافد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۴۰).

10. www.wordnik.com/words/issueless.

۱۱. برخی محققان نیز آن را بر همین معنا ترجمه کرده‌اند (سلمانیان؛ احسانی، ۱۴۰۲: ۱۵۷).

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عز الدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی. (۱۳۳۷ق).
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر. (۱۴۱۴ق).
۳. اسحاقی، پیمان، «منبع شناسی ترجمه‌های نهج البلاغه به برخی زبان‌های غیرعربی»، امامت پژوهی، سال اول، شماره ۴، ص ۳۵۹-۳۳۷. (۱۳۹۰ش).
۴. اقبالی، عباس، «نشانه شناسی و تحلیل فرامتنی برخی کنایات نهج البلاغه»، حدیث پژوهی، سال نهم، شماره ۱۸، ص ۲۳۹-۲۵۶. (۱۳۹۶ش).
۵. امرائی، محمدحسن، «واکاوی تحلیلی روش‌شناسی تعبیر کنایی در فرایند ترجمه حداد عادل»، مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۱۲، شماره ۲۳، ص ۲۶۹-۲۹۲. (۱۳۹۷ش).
۶. امینی، محمدهادی، نهج البلاغه و اثره علی الأدب العربی، ترجمه سیدمهدی نوری کیزقایی و سیدمرتضی حسینی، تهران: بنیاد نهج البلاغه. (۱۳۹۲ش).
۷. آریان‌پور کاشانی، عباس؛ آریان‌پور کاشانی، منوچهر، فرهنگ فشرده فارسی به انگلیسی، تهران: امیرکبیر. (۱۳۷۹ش).
۸. ابن میثم، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر الکتاب. (۱۳۶۲ش).
۹. تفتازانی، سعدالدین، مختصر المعانی، قم: دار الفکر. (۱۳۸۳ش).

۱۰. رستمی، غلامرضا، بررسی کنایه در نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی محمد خاقانی، اصفهان: دانشگاه اصفهان. (۱۳۷۳ش).
۱۱. سخنور، جلال، فنون و صناعات ادبی، تهران: سمت. (۱۳۸۵ش).
۱۲. سلمانیان، سمیه؛ احسانی، کیوان؛ مسبوق، سیدمهدی؛ دسترنج، فاطمه، «مفهوم شناسی واژه حانک در خطبه ۱۹ نهج البلاغه با رویکرد انتقادی به معادل‌یابی‌های آن در ترجمه‌های فارسی»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۱۵، ص ۲۱۸-۱۹۱. (۱۴۰۰ش).
۱۳. سلمانیان، سمیه؛ احسانی، کیوان، «قالبهای ثابت زبان و چالش‌های معادل‌یابی آن در ترجمه‌های نهج البلاغه (موردکاوی تقریبنهای جمعی)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۱۳، شماره ۲۹، ص ۱۴۵-۱۷۸. (۱۴۰۲ش).
۱۴. سمیع گرگانرودی، غلامرضا، فنون و صناعات ادبی، تهران: دانشگاه پیام نور. (۱۳۸۶ش).
۱۵. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت. (۱۴۱۴ق).
۱۶. شهیدی، سیدجعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. (۱۳۷۸ش).
۱۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی. (۱۳۷۵ش).
۱۸. فراتی، علی‌اکبر، «بررسی و نقد سبک شناسی مفهوم عبارت "وَلَوْلَا أُمُّ كَيْلًا بَغَيْرِ ثَمَنٍ" در نهج البلاغه»، علوم حدیث، دوره ۲۲، شماره ۸۶، ص ۷۴-۵۱. (۱۳۹۶ش).
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، المعین، قم: هجرت. (۱۴۰۹ق).
۲۰. کزازی، جلال الدین، زیباشناسی سخن پارسی، تهران: نشر مرکز. (۱۳۸۶ش).

واکاوی ترجمه انگلیسی کنایات نهج البلاغه...- امیره نیک‌نام پیرزاده، انسیه عسگری، لیلا نیک نسب

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه. (۱۴۰۷ق).

۲۲. مشایخی، حمیدرضا؛ خرمیان، فاطمه، معنانشناسی اسلوب کنایه در نهج البلاغه (خطبه‌های ۱-

۵)؛ مطالعات ادبی متون اسلامی، دوره ۳، شماره ۷، ص ۹۳-۱۱۰. (۱۳۹۳ش).

۲۳. مصطفوی‌نیا، سید محمدرضی؛ طاهر، محمد مهدی، «روش‌شناسی ترجمه کنایه در ترجمه‌های

قرآن (معزی، صفارزاده، آیتی)»، ترجمان وحی، سال ۱۴م، شماره ۱، ص ۷۱-۸۰. (۱۳۸۹ش).

۲۴. مظفری، سودابه؛ خرمیان، فاطمه، «معنانشناسی اسلوب کنایه در نهج البلاغه (مطالعه موردی

خطبه قاصعه)»، مطالعات ادب اسلامی، دوره اول، شماره دوم، ص ۲۰۳-۲۲۲. (۱۴۰۱ش).

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

(۱۳۷۵ش).

۲۶. میرزایی، پوران؛ خاتمی، محسن، «نقدی بر ترجمه کنایات در نهج البلاغه؛ مطالعه موردی لا ابا

لک و لا ابا لغیرک»، پژوهشنامه نهج البلاغه، سال ۸م، شماره ۳۰، ص ۱۱۳-۱۳۳. (۱۳۹۹ش).

۲۷. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تهران: مکتبه الاسلامیه.

(۱۳۵۸ش).

28. Askari Ja'fari, S.M., 1965, Nahjul Balagha of Hazrat Ali, India, Mumbai;

offset in Qom, Ansariyan.

29. Chenguang, Ch, 2003, English Idioms in Text. Beijing, Foreign Language

Education.

30. Djebli, Moktar, 1993, 'Nahdj al-Balāgha', The Encyclopaedia of Islam, vol.7, Leiden, Brill.
31. Foroutan.B; Marashi, S.H, 2022, Nahj al-Balagha A new English Translation, Lebnan, Beirut, Dar Ehya Turath Arabi Publication.
32. Oxford Advanced Learners Dictionary, 2003, London, Oxford University Press.
33. Sayed Ali Reza, 1987, Nahj al Balagha, Selection from Sermons, Letters and Sayings of Amir Al Muminin Ali Ibn Abi Talib, Tehran, World Organization for Islamic Services.
34. [www.The Free Dictionary.com](http://www.TheFreeDictionary.com)
35. www.wordnik.com
36. [www.iqna.ir\(23/6/1400\)](http://www.iqna.ir(23/6/1400))